

جراحی

بقیه از شماره قبل

آغاز جراحی

نگارش دکتر نعمت‌الله کهانی
دانشیار کرسی کالبد شناسی دانشکده پزشکی

جراحی علمی است که نسبت به علوم دیگر ممتاز بوده و تمام مردم با آن علاقمند می‌باشند هر کس با کنجکاوی و علاقه خاصی در موضوع آن بحث و کسب اطلاع می‌نماید جراحی با انسان تماس زیاد دارد و کسی نیست که خود یا یکی از دوستان و خویشاوندانش با قلبی نگران با آن روبرو نشده باشد.

موفقیت‌هایی که نصیب جراحی می‌شود همانند فتح و ظفر است اغلب مردم با وجد و سرور بسیار آنها را مورد تحسین قرار می‌دهند ولی بعضی اوقات که موفقیت حاصل نمی‌شود نومییدی پیش می‌آید و وحشتی عظیم هویدا می‌گردد. این علم که در هر لحظه رشته حیات انسان را در دست دارد قابل ستایش است و باید با شوق فراوانی بسوی آن شتافت ...

بر هیچکس پوشیده نیست که جراحی نفع عمومی در بر دارد زیرا هر کسی ممکن است در موقع درد ورنج آنرا برای نجات خود بطلبد. ظهور عقاید پاستور در مدت بیست سال جراحی را بترقیاتی بزرگ رسانید بقسمی که امروزه شایسته‌ترین مقام می‌باشد و عمل‌هایی را که حتی در نیم قرن پیش تصور انجام آن محال بود میسر و عدلی نمود.

بزرگی و عظمت جراحی راهمه میدانند ولی یکنوع احساسات درونی مخصوصی است که تنها باشخاصیکه به فن جراحی اشتغال دارند الهام میشود و دیگران از آن آگاه نیستند و از روح جراح بکلی بیخبرند و نمیدانند که چه وحشت و اضطراب شگرفی در آنان وجود دارد.

بطور عموم جراح را شخص خشن و بیرحم و سنگدل میدانند. سابق براین

مناظر بیرحمانه عمل که همه روزه تکرار میشد جراحان قدیم را ظاهر آ نسبت به درد ورنج بیماران سنگدل نشان میداد ولی در حقیقت این سنگدلی و خشونت کاملاً صوری بود و جراحان با کمک قوای روحی وحشت بزرگی را در اعماق قلب خود پنهان میساختند امروزه جراح باخونسردی و سیمای عادی بعمل میپردازد اعمال جراحی بندرت منظره وحشتناک و ترس آور قدیم را پیدا میکند زیرا که داروهای بیهوش کننده درد و ادراک و ترس را بکلی از بین میبرد. آن منظره دردناک قدیم که فریاد و ناله بیماران در زیر چاقو واره شنیده میشد دیگر تکرار نمیشود.

اگر خونسردی ظاهری جراح را دلیل بیحسی او قرار دهند و بگویند جراحی ملایمت و حساسیت را از بین میبرد خطای محض است برخلاف دیدن روزانه مناظر خونین و دردناک جراح را بیشتر متاثر میکند و موجبات ملایمت و رحم دلی او را فراهم میآورد.

به هر حال بیحسی و سنگدلی از صفات لازمه جراح نیست تنها کافی است که از منظره عمل نهراسد رفتار ملایم با بیماری که درد میکند و گفتار قانع کننده با کسی که از عمل گریزان است صبر و متانت در مقابل بیماران بیحوصله آن اندازه که در جراحی لازم و واجب است در هیچ امری لزوم پیدا نمیکند بعلاوه ملایمت و صبر و حوصله و متانت مانع قدرت و توانائی نیست بسیاری از جراحان که سیمای تند و سخت دارند میدانند چگونه با شیرین زبانی کودکان و رنجوران را قوت و دلداری داده و خاطرشان را تسکین و تسلی بخشند.

حقیقت آنست که جراح باید بی شک و اجد مبانی اخلاقی باشد تنها جراح است که باید اغلب اوقات اضطراب شدید و گوناگون را که گاه شیرین و زمانی غم انگیز و دردناک است احساس و تحمل کند و خسته نشود. جراح در مبارزه روزانه با زندگی انسان سر و کار دارد وی همواره خطر جانی و آنی را از طرفی و شادمانی نجات بیمار را از طرف دیگر مشاهده میکند مثلاً در یک عمل منظم و مرتبی بواسطه بروز مخاطرات و اتفاقات غیر مترقب آرامش روحی به اضطراب سریع مبدل میگردد مبارزه های دائمی و اضطرابهای ناگهانی روح جراح را مشغول میسازد در زندگی جراح هیچ حرکت و اقدام نیست که بامسئولیتی بزرگ و خطرناک مواجه و همراه نباشد هر تصمیم و هر فکر و هر عمل بالاخره کوچکترین حرکت جراح ممکن است باعث نیکبختی و یا بدبختی بیمار گردد. بنابراین کسیکه هر لحظه زمام زندگی اشخاصی را در

دست دارد وظیفه جدی و بزرگی را عهده دار میباشد .

نگرانی و مسئولیت جراح تنها در هنگام عمل ظاهر نمیشود بلکه در ساعتی است که برای عمل تصمیم میگیرد . ساعت تصمیم ساعت گرانبهایی است که جراح تنها در مقابل وجدان خود بوده و به سر نوشت بیمار تصمیم میگیرد سلامتی یا ناخوشی زندگی یا مرگ بیمار بدین تصمیم بستگی کلی دارد .

در حالات و مواقع خطرناک هیچگونه تردیدی در تصمیم به عمل جراحی جایز نیست و عمل جراحی محققاً لازم است گوا اینکه این عمل ممکن است با حوادث غیر مترقب و اضطراب آمیز مواجه شود لا اقل جراح در عمل ناگزیر بوده و وظیفه خود را انجام داده است . مثلاً در فتق مختنق و خونریزیهای شدید و انسداد مجرای تنفس که زندگی بیمار در خطر است نه تنها عمل لازم و واجب است بلکه آنرا باید انجام شود زیرا کوچکترین تردید و چند ساعتی تأخیر بمرگ بیمار منتهی میشود جراح حق امتناع نداشته بلکه در این مورد همیشه باید عمل کند ولو برخلاف میل و اراده بیمار باشد . بعضی از بیماران به خطر جانی آگاه نبوده و بیهوده از عمل ممانعت میکنند در این حالت اراده جراح باید بر اراده بیمار فائق آید و عمل را در حضور اشخاص بیجا انجام دهد و مورد سپاسگذاری بعدی همان بیمار واقع شود .

باید دانست که همیشه وضع بیمار روشن نیست و ممکن است در برابر دلایل محکمی که عمل را ایجاب میکند دلایلی نیز وجود داشته باشد که عمل را اجازه ندهد و جراح را به شك اندازد . مثلاً در بعضی از بیماریهای داخلی زنان سلامت بدن در خطر بزرگی میافتد و حتی ممکن است اغلب بواسطه ظهور عوارض غیر مترقبه دیگر مرگ پیش آید معذک این بیماری ممکن است خود به خود یا بوسیله معالجات طبی بهبود حاصل کند و در این صورت همانطور که يك عمل جراحی فرصت بزرگی برای معالجه سریع است ممکن است در حالات سخت نیز بمرگ منتهی شود جراح در این مواقع با اینکه با کمال آرامی قبول مسئولیت عمل را وظیفه خود میداند معذک در موقع تصمیم گرفتن در اضطراب عمیق فرو میرود چه باید بکند ؟ آیا باید وقت را از دست بدهد و در تصمیم به عمل تأخیر روا دارد یا نه ؟ جراح حقیقی هرگز نسبت به تصمیم خود برای عمل اندک تأخیری روا نمیدارد پس از امتحان دقیق بیمار در صورت لزوم اگر شك و تردیدی باقی است باید یا چند تن از همکاران خود مشورت میکند و سود عمل کردن و نجات دادن بیمار را با زیان عمل نکردن و هلاکت او

میسنجد و از روی کمال وجدان تصمیم میگیرد و وقتی که جدا و با کمال آرامی تصمیم گرفت بی تردید و با کمال قدرت، مستقیم بطرف هدف پیش میرود.

از مراتب مشروح بالا چنین نتیجه گرفته میشود که برای جراح تصمیم گرفتن به عمل مستلزم داشتن روحی است قوی ولی قدر و منزلت جراح با طرز انجام عمل تعیین میشود در این مورد عملها را باید از حیث اهمیت تقسیم نمود و تشخیص داد عده زیادی از عملها ساده و آسان بوده و در قسمتهائی از بدن که کمتر خطرناک است صورت میگیرد و جراح براحتی میتواند در هر طرف حرکت کرده و آزادی عمل داشته باشد فقط با کمی عادت میتواند و بی کوچکترین اضطراب عمل کند.

بر خلاف عملهای دیگری است که پیش آمدهای عجیب و اشکالات فراوان در بردارد و کمترین اشتباه ممکن است بمخاطرات مرگ مثل خونریزیهای بزرگ و غش و یا عوارض خفگی منتج شود و جراح برای حفظ مقام خود منتهای خونسردی و جمعیت خاطر را لازم دارد.

در میان عملها خطرناکتر و مضطرب کننده تر نه تنها عملهایی است که در روی احشاء شکم انجام میشود بلکه بخصوص عملهای بزرگی است که در روی صورت و گردن انجام میگیرد زیرا اهمیت خارق العاده این نواحی از لحاظ کالبدشناسی و حیاتی نباید برهیچکس پوشیده بماند فراوانی عروق به حجمهای مختلف در صورت پیدایش کوچکترین منفذ خونریزی و حشنتناکی تولید میکنند. عبور اعصاب مهم با اشاره مختصری میتواند حرکات قلب یا تنفس را متوقف سازند و بالاخره وجود مجاری تنفسی است که در اثر سوراخ شدن ممکن است خون را در خود جمع نموده و بیمسار خفه شود بنابراین برداشتن غده های بزرگ صورت و گردن فوق العاده مشکل و مستلزم هر نوع خطری است و بیش از سایر عملها علاوه بر آرامش و قوت روحی شناسائی دقیق ساختمان تشریحی ضرورت دارد برای اینکه اینگونه اعمال که با کوچکترین اشتباه و لغزش ممکن است بمرگ آنی منتهی شود بخوبی انجام گیرد دست جراح نباید به لرزد و باید به آرامی تمام عمل کند.

نظافت کامل و آسپسی از اصول لازمه موفقیت است سکوت و آرامش در جراحی ضرورت تام دارد و پس از اینها دانستن کالبدشناسی بر همه چیز مقدم است و لازمه این امر مطالعات دقیق و همیشگی است.

جراح در يك عمل مشکل بیشتر با مغز خود کار میکند و از آغاز تا پایان عمل فقط مغز است که کار دستی را تعیین نموده و حرکاتشان را تنظیم مینماید بنابراین سکوت مطلق و جمعیت خاطر و تسلط به حرکات روحی و عصبی جراح را استوار و محکم نگاه میدارد و کوچکترین عجله ای در حرکاتش جز در موقع لزوم رخ نمیدهد.

صبر و حوصله بعد از سکوت از بهترین صفات جراح میباشد.

بیحوصلگی در يك عمل طولانی و مشکل مخصوصا در موقعیکه مخاطرات و اتفاقات غیر مترقبه هم رخ دهد ممکن است ظاهر شود عدم دقت و نا آزمودگی دستیار و سستی نخ بخیه و پاره شدن آن در موقع بستن و خوب کار نکردن بعضی از اسبابها و بستن شریان کوچکی که باشکال صورت میگیرد و هزاران اشکال دیگر ممکن است جراح راتند خو و عصبانی کند در اینگونه حالات گرانباترین صفات جراح همانا صبر و حوصله است و نباید به هیچوجه سکوت و آرامش و خونسردی و متانت خود را از دست بدهد و عصبانی بشود زیرا عصبانی شدن او باعث پریشانی خاطر دستیار و اطرافیان میگردد در يك عمل که روبه وخامت میرود بیحوصلگی و داد و فریاد و خشم و غضب بیشتر باعث اغتشاش حواس دستیاران میشود و نظم عمل بهم میخورد و همچنین باز خواست یا تذکرش در موقع عمل به خطاهای دستیار و اطرافیان سبب میشود که آنان خونسردی خود را از دست داده و خود را بکل گم کنند هر چه وضعیت رو بسختی و وخامت رود لازم است که جراح متین تر و آرامتر بود. و بادستیار ملامت رفتار کند زیرا تنها با خونسردی و اراده خلل ناپذیر آنهاست که جراح میتواند خود را از موفقیت های دشوار رهائی بخشد پس برای جراح بهترین طریق تعلیم خونسردی و آرامش و حواس جمعی باشخصیکه این صفات را از دست داده اند این است که خود دارای آن صفات باشد.

بطور کلی لزوم مواظت و دقت و ظرافت و سلیقه در انتخاب بهترین طرق عمل و بینائی و شناسائی جراح و سرعت عمل حتی در عملهای سخت و وحشت آور در روی سر و گردن و غیره در حسن انجام عمل و اطمینان خاطر جراح دخالت مستقیم دارد اندیشه اینکه ممکن است هر آن اوضاع روبه وخامت برود در نظر جراحی که با کمال آرامش مشغول عمل بزرگ و خطرناکی است عمل جراحی را کاری فوق العاده نشان میدهد.

بعضی اوقات در حالیکه بندرت اتفاق می افتد سختی عمل و اهمیت خطر و حس

مسئولیت و مقام خاصه اینکه در جلوی دستیاران عمل شود کافی است که آن عمل بصورت خارق العاده در آید و باعث تحریک دماغی جراح بشود و سبب بین خوابی ممتدی در شب پیش از عمل گردد بیشتر جراحان در همان موقع بین خوابی در سکوت و تاریکی شب با کمال فعالیت بعمل فردا می اندیشند و اغلب در همین حالت است که عمل موفقیت آمیز را طرح میکنند. صبح هنگامیکه بیمارستان میروند تا موقع عمل هر لحظه را با تشویش و ناراحتی میگذرانند همینکه ساعت عمل فرامیرسد و بیمار زیر نظر و مسئولیت دستیار بن خواب بیهوشی فرو میرود اضطراب درونی جراح پایان می یابد و روحش قوی میگردد و انگاه با فکری روشن و اطمینان بخش عمل را آغاز میکند و اگر در جریان عمل بعلتی ضربان قلبش شدید شود دستهایش استحکام خود را نگاه داشته و سیمایش حالت آرامش خود را از دست نمیدهد معمولاً همینکه عمل شروع شد چون آنچه باید بشود با تمام اشکالات و سختی شروع شده است لذا راحتی خیال حاصل میشود بعلاوه حس از بین بردن اشکالات و اجرای وظایف دقیق را که رسماً باید انجام دهند بخصوص اطمینان جراح به موفقیت و نجات بیماری که جان خود را در دست او گذاشته طبعاً رضایت خاطر شیرین در وی ایجاد میکند.

باید دانست که همیشه اینطور نیست نه تنها در موقع بروز اتفاقات و عوارضی که جان بیمار در خطر میافتد بلکه در خونریزیهای ناگهانی و فوق العاده لازم است که جراح آرامی و خون سردی خود را از دست ندهد و تمام قوای جسمی و روحی منشأ آن را پیدا و با بهترین وسیله از خونریزی جلو گیرد تا خون جاری است جراح نمی تواند بهیچ چیز جز قطع کردن خون فکر بکند و تمام همش باید همیشه متوجه یک هدف باشد و بهیچ کار دیگری نپردازد در اینصورت است که هر گونه اضطراب و تشویش درونی جراح از بین میرود.

حالات دیگری نیز هست که باعث نگرانی و اضطراب میگردد مانند عوارض خطرناکی که در هنگام عمل ظاهر میشود بدین طریق که فقط جراح و دستیار و یا خود جراح از بروز آنها آگاه میشوند و این عوارض نه تنها آنابلکه در روزهای بعد میتواند موقعیت و خیم یا مرک را ایجاب کند. بیماریکه با کمی فرصت و حوصله و شاید دقت بیشتری علاج میپذیرفت زیر نظر جراح محکوم بمرک میگردد. آری بعضی اوقات چنین است جراحی علم ریاضی نیست و جراح هم بشر است یک ثانیه عدم توجه یا یک حرکت کمی کند و یا کمی تند یا یک فشار اندکی با عجله و یا کمی طولانی سرنوشت بیمار را

تعیین میکند .

امروز که بزرگترین سبب مرگ بعد از عمل را عفونت شناخته‌اند اغلب بواسطه داروهای ضد عفونی بجلو گیری از خطر مرگ کامیابی حاصل میشود و بهمین جهت است که باوجود احتیاط و کوشش و مواظبتهای لازمه چنانچه عمل جراحی بمرگ منتهی شود خواه ناخواه مسئله مسئولیت مستقیم طرح میشود و این امری وجدانی است که جراح باقلبی متأثر از خود سؤال میکند که آیا قابل سرزنش هست یا نیست و آیا آن کاری که باید بکند کرده است یا نه و بالاخره آیا جراح خوبی بوده و اطلاعات تشریحی لازم را درست بمعرض عمل گذارده است تا وجداناً وظیفه خود را بطور کامل انجام داده باشد ؟

معدلك همه نا کامی‌ها دارای یکنوع اهمیت نیست و شدت تألم بر حسب بیمار و بیماری فرق میکند مثلاً بیماری که در حال نزع بود و مبتلا به بیماری فوق العاده خطرناک و مرگ آور است چنانچه بعد از عمل از بین برود بامرگ بعد از عمل بیماری که کسالتش چندان سخت نبوده و باوجود آن هنوز قادر بادامه زندگی و سلامتی بوده است اختلاف بزرگی را حائز است . بیماری مبتلا بورم صفاق عمومی است و موفقیت یأس آوری دارد و بطور وضوح در ۲۴ یا ۴۸ ساعت دیگر بمرگ منتهی میشود و هیچ داروئی نمیتواند سبب يك دقیقه تأخیر هلاك او بشود . تنها يك عمل جراحی یعنی شكاف وسیع شکم که پراز چرك میباشد احتمال ضعیفی است که يك در ده بیمار آن را نجات بخشد . در این بیماری مخصوصاً خونرویه‌های داخلی در زنان و حالاتیکه عمل فوری را الزام میکند همچنین در عملهای چنگار هرگاه بیمار نه در اثر عمل بلکه چند ساعت بعد از عمل بمیرد جراح خود را ملامت نکرده و حتی از اینکه انجام وظیفه را بمتنهای رساننده و آخرین راه امیدواری را نیز پیموده است رضایت قلبی داشته و هرگز مانند خطر غیر منتظر عملهای عادی متأثر نمیشود باید گفت که عمل اینگونه بیماران سخت رنجور که بقصد معالجه و تسکین انجام میگردد باوجود خطر مرگ بعد از عمل و حتی روی تخت عمل تأسف آور نخواهد بود .

بعد از عمل سه یا چهار روز اول که آینده بیمار تعیین میشود در موقع نزدیک شدن باطاق عمل اضطراب عجیبی برای جراح پیدا میشود زیرا که چند دقیقه یا چند ثانیه دیگر خبر خوشحالی و ظفر و یا بدحالی و خطر بیمار را خواهد شنید در صورت بهبود بیمار خوشحال و کامرواست ولی در حالاتیکه خوشبختانه بندرت اتفاق میافتد علائمی

که پیش قر اول عارضه سختی است ظاهر شده و آینده بیمار را تاریک میسازد و سبب تألم شدید روحی جراح میگردد.

خلاصه زندگی جراح آبی آرام و قرار ندارد و پراز دقایق عالی و ساعات غم انگیز و لحظات فتح و ظفر و اوقات تألم ورنج میباشد.

جراح با وجود این همه خستگی و اضطراب بشغل خود بنظر احترامی نگریسته و آنرا دوست میدارد زیرا اگر کارش منبع نگرانیهای گوناگون و شدید است سبب رضایت وجدانی آمیخته باشعف و سرور نیز میباشد. با تمام تلخیها و تألمات شغلی است مقدس عزیز و محترم و دوست داشتنی. چه شعف و خوشی بالاتر و عالیتر از این که بیشتر اوقات زندگی صرف نجات بیمار از چنگال وحشتناک مرگ و بیماری است چه خوشبختی و سعادت بزرگی است که جراح ساختمان و تشکیلات عظیم کالبد انسانی را همیشه در نظر داشته و با وسایل مفید و آسانتری بر ضد بیماری قیام نماید و همواره تسکین درد ورنج بشر سهیم و شریک باشد. بقیه دارد